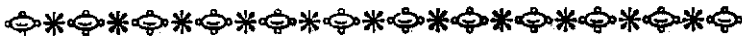


# چهره‌رستاخیز

## در کتب آسمانی



«یهود» بر اثر فرورفتن در مادیات و سجده در برابر بت ثروت در محو آیات رستاخیز کوشیدند، تا با وجدانی آرام به کارهای خود ادامه دهند! و «مسیحیان» با پیش کشیدن مسئله فداء و نجات بوسیله مسیح و گناه-بخشی کشیشان، آثار تربیتی ایمان به رستاخیز را از میان بردند!

تعارف با دوستان و مانند اینها خلاصه نشود بلکه از سطح زندگی بگذرد و به اعماق حیات و جان انسان نفوذ کند - آنهم نیاز به حل این دو مسئله دارد یعنی توجه به دستگاه مراقبتی که بر انسان حکومت می‌کند، و توجه به پاداش و کیفر، و تکامل و سقوط انسان در سایه اعمالش.

به همین دلیل هیچ کتاب آسمانی نبوده و نه هیچ پیامبری که اساس دعوت خود را بر این دو موضوع استوار ن ساخته باشد. ولی از آنجاکه دست تحریف از روی عمد، و با بواسطه جهل و نادانی به کتابهای

توجه دادن به دو چیز و پاسخ دادن به دو معما جزء برنامه همه پیامبران، و متفکران بشر بوده است «آغاز آفرینش» و «انجام آن» و عبارت دیگر: «مبدأ» و «معاد».

مسئله فهم معنی زندگی و حیات: بدون فهم این دو ممکن نیست.

همانطور که جهان شناسی واقعی، بدون فهم این دو امکان پذیر نمی‌باشد.

تربیت به معنی حقیقی - یعنی تربیتی که تنها در تشریفات و آداب میهمانی و طرز غذا خوردن و

خود گواه تألیف آنها بعد از وفات موسی (ع) است. کتاب ۱۷۰ که بنام «مکتوبات مورخان» آمده است چنانکه از نامشان پیدا است تاریخی است. ملوک و پادشاهان و مانند آنها می باشد. ۱۷۱ کتاب باقیمانده بعنوان مکتوبات انبیاء و پیامبران بنی اسرائیل است که شرح حال و بیان کلمات قصار و پند و اندرزها و مناجات‌های پیامبران خدا است.

و اما کتب عهد جدید (کتب مقدس مسیحیان) که مشتمل بر ۲۷ کتاب است ۴ کتاب آن که اناجیل اربعه نام دارند و سیله شاگردان مسیح، یا شاگردان شاگردان مسیح (ع) نوشته شده و ۲۳ کتاب از آن نامه‌هایی است که پولس و رجال برجسته دیگر مسیحیت برای مناطق مختلف فرستاده‌اند و آخرین کتاب آنهم کتاب مکاشفات یوحنا است که شرح مکاشفات او را می‌دهد.

\* \* \*

و بهر حال در میان عهد عتیق و جدید يك تفاوت روشن به چشم می‌خورد و آن اینکه در کتب یهود، سخن از دنیا فراوان است و از رستاخیز بسیار کم! در حالی که در اناجیل چنین نیست و سخن از رستاخیز و عالم پس از مرگ و پاداش و کیفر نسبتاً زیاد است. تا آنجا که «مسترهاگس» امریکائی نویسنده «قاموس کتاب مقدس» تصریح می‌کند که افکار قوم یهود در پاره‌ای از مسائل مربوط به عالم پس از مرگ نامعلوم و غیر واضح است.

آنچه می‌توان با توجه به وضع خاص روحی قوم یهود در این جا حدس زد این است که: یهود که در میان مردم دنیا به مادی بودن و خودخواهی و

آسمانی پیامبران پیشین دراز شده، چهره رستاخیز در آنها در پاره ای از قسمت‌ها دگرگون گردیده است.

ولی بهر حال لازم است در اینجا يك بررسی اجمالی روی محتویات این کتب از نظر بحث رستاخیز بعمل آید که از جهاتی آموزنده و جالب است.

\* \* \*

### کتاب تاریخی بجای کتب آسمانی

بد نیست بدانید کتب مقدسی که از یهود و نصاری امروز در دست است، از نظر خود آنها فقط کتب مقدس است نه کتاب آسمانی و لذا نام کتاب آسمانی بر آنها نمی‌گذارند، هیچ یهودی و مسیحی پیدا نمی‌کنیم که بگوید این کتب همان وحی آسمانی است که بر مسیح و موسی نازل شده است، بلکه همه مترفند که اینها بعد از این دو پیامبر بزرگ و سیله شاگردان و پیروان آنها به رشته تحریر درآمده اگر چه در آنها چیزی از وحی آسمانی وجود دارد و به همین دلیل بیوگرافی مسیح (ع) و موسی (ع) و حتی حوادث بعد از آنها در این کتاب‌ها به وضوح نوشته شده است.

### توضیح اینکه:

عهد عتیق (کتب مقدس یهودیان) مشتمل بر ۳۹ کتاب است که پنج کتاب آن اسفار پنجگانه تورات است و مثلاً در سفر پنجم که سفر تثنیه یا «تورات مثنی» نام دارد در آخرین فصلش می‌خوانیم: «پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین مواب» موافق قول خداوند وفات کرد و او را در دره زمین مواب برابر بیت یعور دفن کرد...» و این

می خوانیم :

«خداوند میمیراند و زنده می کند، به قبر فرود می آورد و برمی خیزاند».

این جمله - همانطور که می بینیم - علاوه بر اصل مسئله رستاخیز سراحث دره ماد جسمانی دارد، چه اینکه قبر جای جسم انسان است که تبدیل به خاک شده، والا قبر جایگاه روح نیست که از آن برخیزد؛ و این درست شبیه آن است که در قرآن می خوانیم:

**و ان الله یبعث من فی القبور (سوره حج آیه ۷)**

۲- در کتاب اشعیای نبی در باب ۲۶ جمله ۱۹ می خوانیم :

«مردگان تو زنده خواهند شد، وجسدهای من خواهند برخاست، ای شما که در خاک ساکنید بیدار شوید و ترنم نمائید»

در این جمله رستاخیز یک نوع بیداری ( شبیه بیداری از خواب) معرفی شده همانطور که در روایات اسلامی نیز می خوانیم :

«الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا» : مردم خواهند هنگام مرك (و ورود در آستانه رستاخیز) بیدار می شوند .

این تشبیه «مرك» یا «رستاخیز» به بیداری از خواب بسیار چیزها با هم آمیخته که بعداً - بخواست خدا - مورد بررسی قرار می گیرد .

ضمناً تعبیر به جسدهای من (با اینکه هر کس یک جسد بیشتر ندارد) شاید به منظور اجزای و اعضای مختلف جسد - و یا جسدهائی است - که در طول عمر و با گذشت زمان عوض می شود .

ثروت پرستی بی قید و شرط مشهورند ، تا آنجا که گفته اند « خدای آنها نیز پول است » به هنگامی که دست تحریف به سوی کلمات وحالات پیامبران گشودند آنچه سخن از زندگی مادی بود بخوبی ثبت کردند، ولی آنچه از رستاخیز و کیفردنیا پرستان و ستمکاران و غاصبان بازگویی کرد حذف نمودند. آنها تنها اخبار جهان را به سود خود تحریف نمی کنند بلکه سخنان انبیاء و کتب آسمانی را نیز هم! ...

در قرآن مجید نیز آیاتی وجود دارد که نشان می دهد یهودیان معاصر پیامبر اسلام (ص) نیز مردمی بودند که فوق العاده حریص به زندگی مادی بودند ( و لتجدنهم احرص الناس علی حیاة ) (بقره - ۹۶)

این روحیه ای است که امروز در آنها دیده میشود و دیروز هم وجود داشته و گویا برور ایام جزء خون آنها شده است و ریشه در بدری گذشته ؛ و سرسختی و لجاجت امروز آنها را که سراز در بدری دیگری بیرون خواهد آورد در همین باید جستجو کرد .

مگر اینکه به راستی در برنامه زندگی خود تجدید نظر کنند و با مردم دنیا از در آشتی در آیند و برای غیر «ماده» نیز ارزشی قائل شوند .

بهر حال ، با همه بی اعتنائی کتب عهد قدیم به مسأله رستاخیز باز تمبیرات روشنی در پاره ای از کتابهای آن در این زمینه دیده می شود که بمنوان نمونه چند قسمت را یاد آور می شویم :

۱- در کتاب اول سموئیل (باب ۲ جمله ۶)

هر کس بد کرد به جهت قیامت داوری،  
منظور از قیامت حیات ؛ همان حیات جاودانی  
در نعمت خدا است که پاداش نیکوکاران است و  
منظور از قیامت داوری کیفر بدکاران بمقتضای  
داوری و عدل پروردگار است .

این جمله - با توجه به ذکر قبور که جایگاه جسم  
انسان است - اشاره به معاد جسمانی است .

۲ - در انجیل متی که نخستین اناجیل است  
صریحاً به مسأله جزا و پاداش روز ستاخیز اشاره  
شده آنجا که می گوید :

« زیرا پس انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش،  
به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کس را  
موافق اعمالش جزا خواهد داد» ( متی باب ۱۶  
جمله ۲۷ )

و نظیر این تعبیرات که حکایت از پاداش و کیفر  
و بهشت و دوزخ و داوری در جهان پس از مرگ می کند  
در اناجیل و کتب عهد جدید فراوان است .

\*\*\*

اما افسوس مسیحیان گنهکار و آتش افروز با  
بدعت خطرناکی که در مورد مسأله نجات و قربانی  
شدن مسیح در برابر گناهان پیروان خود؛ و مسأله  
گناه بخشی وسیله کشیشان گذاردند ، چنان اثرات  
ترویجی عقیده به معاد و ستاخیز را از کار انداختند  
که گوئی پاک و ناپاکی عمل برای نجات از کیفر  
و برخورداری از حیات آرام بخش جاویدان چندان  
اثری ندارد ، و آنچه هست در مسأله شفاعت مسیح  
(ع) و گناه بخشی کشیش گنهکار است !

۳ - در مزامیر داود - مزمور ۲۳ جمله ۴  
۶ می خوانیم :

و چون دروادی سایه موت نیز راه روم از بسدی  
نخواهم ترسید، زیرا تو با منی... هر آینه نیکوئی  
و رحمت تمام عمرم در پی من خواهد آمد و در خانه  
خداوند ساکن خواهم بود تا ابد الاباد .

و از این جمله ها پیوند انسان، در عالم پس از مرگ،  
با اعمالی که در این جهان انجام داده است به خوبی  
به دست می آید. که اعمال او همه جا بدنبال او خواهد  
شتافت و هر گز از او جدا نمی شود .

\*\*\*

و به این ترتیب در سخنان پیامبرانی همچون  
دموئیل، و «اشمیا» و داود، اشارات قابل ملاحظه ای  
در باره ستاخیز آمده است ولی قوم یهود آنچنان  
ستاخیز را فراموش کردند که گوئی جز این  
زندگی مادی دنیا ، زندگی دیگری در کار نبوده  
است !

\*\*\*

### چهره ستاخیز در اناجیل

همانطور که گفته شد در اناجیل، مسئله ستاخیز  
باصراحت بیشتر و تعبیرات زنده تری به چشم  
می خورد از جمله :

۱ - در انجیل یوحنا باب ۵ جمله ۲۷ - ۲۸  
می خوانیم :

و ساعتی می آید که جمله کسانی که در قبور می-  
باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد  
هر کس اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و